
بازتولیدپذیری آثار کلاسیک در تئاتر مدرن

■ حمیدرضا افشار

تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ | تاریخ پذیرش نهایی ۱۳۹۴/۰۶/۲۹

بازتولیدپذیری آثار کلاسیک در تئاتر مدرن

حمیدرضا افشار | استادیار دانشکده‌ی سینما تئاتر، دانشگاه هنر

چکیده

از عصر روشنگری به این سو، تئاتر همواره بستر تبلور و بازنمایی مفاهیم و مضامین حوزه فلسفه و اندیشه بشر بوده است. تنیدن فلسفه و اسطوره سبب شد که تئاتر در ادوار مختلف پس از روشنگری، رویکردش را نسبت به اسطوره و امر کهن به شیوه‌های مختلف در نظام نمایشی بازتاب دهد. این مقاله با هدف تبیین بازتولیدپذیری تکنیکی آثار کلاسیک در تئاتر مدرن، بر اساس آرا و اندیشه‌های انتقادی والتر بنیامین در باب هنر مدرن نگاشته شده است. هم‌چنین کوششی است در راستای بازخوانی آرا او که هرچند مستقیماً مقوله تئاتر را هدف نگرفته است اما گستره مبانی نظری وی به اندازه‌ای است که می‌توان تئاتر قرن بیستم را به واسطه حوزه تفکر و اندیشه‌اش بازتعریف و واکاوی کرد. رویکردهای والتر بنیامین، تنها عیان کردن سویه‌های مخرب عقلانیت ابزاری مدرن نیست، بلکه غلتیدن در تاریخ به معنای ظلمات و تاریکی قرن حاضر در مقام سوژه معاصر است. بازخوانی و بازتولیدپذیری آثار کلاسیک به عنوان امری دیالکتیک میان معنای کهن و معنای معاصر، مقوله‌ای است که نویسنده مدرن در مقام سوژه شناسا با ابژه موردشناسایی برمی‌گزیند؛ در نتیجه انسان مدرن معنای باز یافته‌ی آن را دریافت می‌کند. هدف اصلی این امر هموار کردن شکاف میان اثر هنری و مخاطب است. هدفی که ارزش‌های آیینی و قومی هنر را به هم می‌پیوندد و به پهنای هنر، ارزش زندگی می‌بخشد. ارزشی که به گمان بنیامین، انسان مدرن امروز ناگزیر از پذیرفتن آن است.